سیر و سلوک

تألیف

خواجه نصیرالدّین طوسی

(۵۹۷-۶۷۲ هـ.ق)

تصحیح، ترجمه و شرح به انگلیسی

سید جلال حسینی بدخشانی

بسم الله الرحمن الرحیم

میراث مکتوب
۳۱۵

علوم و معارف اسلامی
۶۹

سرشناسه : بدخشانی، سید جلال، ۱۳۲۰ -
Badakhchani, J
عنوان قراردادی : سیر و سلوک، انگلیسی - فارسی، شرح
عنوان و نام پدیدآور : سیر و سلوک / نصیرالدین طوسی؛ تصحیح، ترجمه و شرح به انگلیسی سید جلال حسینی بدخشانی.
وضعیت ویراست : ویراست ۲.
مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب: موسسه مطالعات اسماعیلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : چهل و پنج، ۱۰۷۸۰ ص.
فروست : میراث مکتوب؛ ۳۱۵. علوم و معارف اسلامی؛ ۶۹
شابک : 978-600-203-151-8
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت : انگلیسی - فارسی.
یادداشت : کتاب حاضر ترجمه و شرح انگلیسی بر رساله «سیر و سلوک» تألیف نصیرالدین طوسی است.
موضوع : نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۵۹۷ - ۶۷۲ق. سیر و سلوک - نقد و تفسیر
موضوع : کلام اسماعیلیه - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع : Ismaili theology-Early works to 20th Century*
موضوع : نثر فارسی - قرن ۷ ق. - ترجمه شده به انگلیسی
موضوع : Persian prose literature-13th century-Translations into English
شناسه افزوده : نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۵۹۷ - ۶۷۲ ق. سیر و سلوک، شرح
شناسه افزوده : مرکز پژوهشی میراث مکتوب
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۶ ۹۰۴۹۵۲ س ۶ ن / BP ۲۱۵
رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷۶
شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۱۳۱۵۰

سیر و سلوک

تألیف

خواجه نصیر الدّین طوسی

(۵۹۷-۶۷۲ هـ.ق)

تصحیح، ترجمه و شرح به انگلیسی

سید جلال حسینی بدخشانی

The Institute of Ismaili Studies

سیر و سلوک

تالیف: خواجه نصیرالدّین طوسی (۵۹۷ ـ ۶۷۲ هـ. ق)

تصحیح، ترجمه و شرح به انگلیسی: سید جلال حسینی بدخشانی

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلی (لندن)

مدیر تولید: محمد باهر

مدیر فنّی و امور چاپ : حسین شاملوفرد

صفحه‌آرا: رضا سلگی ـ محمود خانی

چاپ اوّل: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۱۹۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک : ۸ ـ ۱۵۱ ـ ۲۰۳ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث

همهٔ حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازهٔ کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر : تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

http://www.MirasMaktoob.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

دریایی از فرهنگ پربایهٔ اسلام و ایران در نسخه‌های خطی موج می‌زند. این نسخه‌ها در حقیقت، کارنامهٔ دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت نامهٔ ما ایرانیان است. بر عهدهٔ هر نسلی است که این میراث پرارج را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

با همهٔ کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته و صدها کتاب و رسالهٔ ارزشمند انتشار یافته هنوز کار ناکرده بسیار است و هزاران کتاب و رسالهٔ خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها به طبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و به تحقیق و تصحیح مجدد نیاز دارد.

احیا و نشر کتاب‌ها و رساله‌های خطی وظیفه‌ای است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعهٔ فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

فهرست مطالب

یادداشت (فرهاد دفتری) ..... نه
پیش‌گفتار ..... سیزده
نقد و بررسی دکتر لئونارد لویسن ..... پانزده
اشاره‌ای به سایر نقد و بررسی‌ها ..... هجده
مقدمه: نصیرالدین طوسی و اسماعیلیان ..... بیست و یک
سیر و سلوک ..... سی و یک
دیگر آثار اسماعیلی طوسی ..... چهل
آغاز و انجام ..... چهل و دو
تولّا و تبرّا ..... چهل و دو
مطلوب المؤمنین ..... چهل و سه
روضهٔ تسلیم ..... چهل و چهار
رسائل کوتاه ..... چهل و پنج
معتقد خواجه نصیر طوسی رحمت اللّه علیه ۱
اختلافات نسخ: علائم اختصاری ۳۱
نمایه ۳۷
کتابنامه ۵۳
تصویر نسخهٔ خطی ۶۳
ترجمهٔ انگلیسی 7

یادداشت

خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن محمد طوسی یکی از دانشمندترین علمای جهان اسلام بود که به عنوان فیلسوف و متکلمی که به سنت‌های شیعی اسماعیلی و دوازده امامی خدمات ارزنده‌ای ارائه کرده مورد توجه قرار گرفته است. خواجه در سال ۵۹۷ هجری قمری برابر با ۱۲۰۱ میلادی در طوس متولد و در حوالی سال ۶۲۴ قمری به خدمت ابومنصور ناصرالدین حکمران و یا محتشم دانشمند قهستان در آمده و به هنگام اقامت طولانی خود در قاین و سایر قلاع اسماعیلی موفق شد دوستی نزدیکی با حامی خود برقرار نموده و هر دو کتاب مهم خود در اخلاق یعنی اخلاق محتشمی و اخلاق ناصری را، که مقدمهٔ نخستین آن به نام ناصرالدین محتشم است، در سال ۶۳۳ قمری تألیف نماید.

متعاقب آن، طوسی به الموت مقر فرمانروایی دولت اسماعیلی ایران رفته و تا زمان حملهٔ مغول از مصاحبت و سخاوتمندی دو خداوند آخرین الموت، علاءالدین محمد (ح. ۶۵۳ـ۶۱۸) و فرزندش رکن‌الدین خورشاه (م. ۶۵۴ ق) برخوردار گردید. پس از سقوط الموت به دست مغول طوسی همچون مشاوری قابل اطمینان برای هولاگو انجام وظیفه نموده و خان مغول رصدخانهٔ عظیمی را در مراغهٔ آذربایجان برای او بنیاد نمود. طوسی در حالی که به تحقیقات علمی و فلسفی خود ادامه می‌داد به ابقا جانشین هولاگو از سلسلهٔ ایلخانیان ایران نیز خدمت نمود. طوسی که در شرایطی متلاطم

توانسته بود با درایت با اسماعیلیان و نیز در سمت وزیر ایلخانیان با آنها روابط خوبی برقرار نماید در سال ۶۷۲ ق. در بغداد درگذشت.

گفتگوهای فراوانی پیرامون تعلقات دینی طوسی و انتساب او به مذهب اسماعیلی وجود دارد. آن‌چنانکه ذکر شد، او در خانواده‌ای دوازده امامی زاده شد و تحصیلات خود را در محیطی دوازده امامی به پایان رسانید ولی پس از آن تقریباً سی سال را در میان اسماعیلیان نزاری ایران سپری نمود که شاید پربارترین مرحلهٔ زندگی او باشد. در این برهه از زمان است که او توانست رسائل بیشماری در نجوم، فلسفه، کلام و دیگر موضوعات تألیف نماید. علاوه بر رسائلی مختصر که صبغهٔ اسماعیلی دارد، روضهٔ تسلیم مهمترین کتاب اسماعیلی اواخر دورهٔ الموت نیز زیر نظر او تألیف شده است. زندگی‌نامه خودنوشتهٔ او، سیر و سلوک، ویراست دکتر جلال بدخشانی نیز متعلق به همین مرحله از زندگی او می‌باشد.

دانشمندان دوازده امامی قرون میانه طوسی را از هم‌کیشان خود دانسته و مصرّانه هرگونه ارتباط بین او و اسماعیلیه و انتساب تصنیفات او را که در بین اسماعیلیان نزاری فارسی‌زبان محفوظ مانده است انکار می‌کنند. این دانشمندان و نیز سیره‌نگاران معاصر ایرانی چنین استدلال می‌کنند که طوسی با رعایت تقیه خود را اسماعیلی قلمداد و مآلاً به هنگام زندانی بودن در قلاع اسماعیلی مجبور بوده از ترس جان خود این رساله‌ها را تألیف کند، ولی با این همه، هیچ دلیلی وجود ندارد که موثق بودن انتساب سیر و سلوک را نفی کرد؛ زیرا طوسی در مراحل اولیه، به دلیل عدم اطمینان به کلام و فلسفه به این نتیجه می‌رسد که می‌باید از معلّمی صادق که راهنمای خرد برای رسیدن به کمال باشد پیروی کرد، و این امر می‌تواند دلیل گرایش او به مذهب اسماعیلی (اهل تعلیم) باشد.

دلیلی نیز وجود ندارد که باور داشت طوسی در قلاع اسماعیلیه برخلاف میل خود بازداشت شده باشد. با توجه به شرایط زندگی و شغلی، سهیم بودن او در تعالی تفکرات اسماعیلی آن زمان، اقامت طولانی و پرثمر او در جوامع قلعه‌نشین اسماعیلی و سیاست

عمومی آزادمنش آنها نسبت به دانشمندان غیر اسماعیلی که در آن ایام از جلو حملهٔ مغول گریزان بودند منتج به این امر است که اذعان کنیم طوسی به ارادهٔ خود، در حالی که در بین آنها زندگی می‌کرده، ارتباط نزدیکی با اسماعیلیان برقرار نموده و از حمایت و پشتیبانی آنها از دانشمندان سود برده باشد. حال آنکه، بعد از پیوستن به مغول، زمانی که طالب حمایت آنان بود، هم بستگی خود با شیعیان دوازده امامی را تأئید و چندین رسالهٔ کلامی در راستای معتقدات آنها مانند تجریدالاعتقاد که تلفیقی از عقاید بنیادی امامیه با فلسفهٔ ابن‌سینا می‌باشد، به رشتهٔ تحریر درآورد. مضافاً در این زمان سعی نمود از ارتباط گذشتهٔ خود با اسماعیلیان فاصله بگیرد و به این منظور دیباچهٔ اصلی تقدیم اخلاق ناصری را تغییر داد.

در طول دو دههٔ گذشته، دکتر جلال بدخشانی چاپ‌های تجدید نظر شده‌ای از مجموعهٔ کوچک آثار طوسی در ارتباط با مذهب اسماعیلی را فراهم نموده که اولین آنها سیر و سلوک در سال ۱۹۹۸ منتشر گردید. در اینجا، دکتر بدخشانی ویراست جدیدی بر مبنای نسخهٔ خطی بهتری که اخیراً پیدا شده فراهم نموده است. با استفاده از فرصت می‌خواهم مراتب امتنان خود را از مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب که با نشر این کتاب و دیگر آثار تشیع و زبان فارسی این آثار را در دسترس دانشمندان و محققان قرار می‌دهند ابراز نمایم.

فرهاد دفتری

پیش‌گفتار

ویرایش تجدید نظر شدهٔ رسالهٔ سیر و سلوک تقریباً بیست سال پس از نشر ترجمه انگلیسی آن و زمانی صورت می‌گیرد که دسترسی به نسخهٔ خطی بهتری امکان‌پذیر گردیده است. هدف انتشار رساله در گام نخست ارائهٔ آن به زبان انگلیسی و مآلاً مستلزم آن بود که با مراجعه به تمام نسخ خطی متن انتقادی رساله فراهم گردد ولی تلاش برای دست‌یابی به نسخ خطی در آن زمان بی‌نتیجه ماند. از سوی دیگر اعتماد به سعی وافر استاد محمدتقی مدرس رضوی و تصحیحات اساتید ارجمندی که ضمن مطالعه به صحت متن کمک نموده بودند ایجاب نمود که رساله با کمترین دخل و تصرف با چاپ نامبرده در مجموعه رسائل که به مناسبت هفتصدمین سال وفات خواجه منتشر شده بود، مطابقت داشته باشد.

انتشار ترجمهٔ انگلیسی که اولین تلاش مترجم در ارائهٔ متنی آکنده از لغات و اصطلاحات فلسفی بود، آن‌چنان که انتظار می‌رفت، مورد توجه اساتیدی نامدار و آگاه به رموزی که خواجه با مهارت فوق‌العاده آنها را در متن رساله گنجانیده بود قرار گرفت و در فاصله‌ای کم در مجموع بیش از بیست نقد و بررسی به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، ایتالیائی، آلمانی، عربی و فارسی دربارهٔ آن منتشر گردید.

نقد و بررسی‌های سیر و سلوک که فهرست گزیده‌ای از آنها در اینجا ذکر می‌شود آن‌چنان که انتظار داشتم علاوه بر گوشزد نمودن اهمیت رساله در شناخت بهتر خواجه، سبک نگارش او و شباهت آن به تقریرات فلاسفهٔ نامدار جهان غرب، کاستی‌های متن

فارسی را گوشزد و سعی در ارائهٔ آن به زبان انگلیسی را شایستهٔ ارزیابی نمودند. اولین بررسی در پیوست ادبی تایمز لندن به قلم پرفسور لئونارد لویسن، که ترجمهٔ فارسی آن در پایان این مقدمه اضافه می‌شود، و جامع‌ترین آنها به قلم دکتر مهدی محبتی است که در مجلهٔ ادبیات و فلسفه منتشر گردید.

علاوه بر نقد و بررسی‌های منتشر شده، گاه تمام رساله و گاه بخش‌هایی قابل ملاحظه از آن در کتابهای معتبر علمی مندرج و برای شناخت بهتر اصول اعتقادی اسماعیلیان نزاری مورد استفاده قرار گرفت. مضافاً، در تاجیکستان برای معرفی بهتر، رساله به الفبای سریلیک بازنویس و گوئیا نشر و ترجمهٔ سیر و سلوک، زندگی نوی را برای این رساله موجز و ارزشمند رقم زد.

نسخه‌های خطی شناخته شده در زمان انتشار نخستین ترجمهٔ انگلیسی آن عبارت بودند از: ۱. نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی: دست نویس‌های شمارهٔ ۵۱۳۸/۶۱، مورخ ۱۰۵۷ ق. و شمارهٔ ۵۰۶۲/۲، مورخ ۱۳۲۸ ق. ۲. نسخهٔ دانشگاه تهران شمارهٔ ۱۰۷۹/۵، مورخ ۱۰۴۷ ق. ۳. نسخهٔ کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق که متن گفتار خواجه به روش باطنیان از آن گرفته شده، شمارهٔ ۶۲/۱۹، بدون تاریخ؛ ۴. نسخهٔ استاد اصغر مهدوی، شمارهٔ ۳۶۴/۳۷، مورخ ۱۳۴۰ ق؛ ۵. نسخهٔ کتابخانهٔ ملک، شمارهٔ ۶۱۹۳/۸، مورخ ۱۳۷۹ ق. ۶. نسخهٔ آستان قدس رضوی، شمارهٔ ۱۲۳۴۳/۱۰، مورخ ۱۳۰۶ ق.

چاپ استاد مدرس رضوی آن‌چنان که در یادداشت‌های وی ذکر شده با استفاده از نسخهٔ دانشکدهٔ ادبیات با تصحیح دو محقق صاحب نام، سید نصرالله تقوی و محمد قزوینی، و نسخه‌ای که نامبرده از یک متن کهن برای خود بازنویس کرده بود صورت گرفته و یادآور این نکته است که عنوان سیر و سلوک برای رساله از اضافات کاتبان متأخر می‌باشد. نسخه‌ای که حدود ده سال پیش از وجود آن آگاه شدم نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، شمارهٔ ۸۲۱۱ مورخ ۱۱۸۰ ق. با عنوان «معتقد خواجه طوسی رحمت الله علیه» می‌باشد که ظاهراً استاد مدرس رضوی به آن دسترسی نداشته است. این نسخه به خط میرزا شفیع است که اطلاع قابل توجهی از او در دسترس نیست. این

دستنویس به خط نستعلیق شکستهٔ زیبا و خوانا، در ابعاد ۱۱×۲۰ سانتی‌متر (داخل حاشیه ۸/۵ × ۱۷/۲ سانتی متر)، عنوان به رنگ قرمز، ۱۷ صفحه و در مجموع شامل ۳۶۴ سطر مؤرب در اندازه‌های مختلف می‌باشد. از اختصاصات این نسخه استفاده از پیشوند «ها» در مواردی معدود، آن هم در سطور آخر رساله، است که احتمال دارد مبین این نکته باشد که از روی نسخه‌ای رونویسی شده که در الموت و یا گردکوه دامغان بازنویس شده باشد.

تجدید نظرهای اعمال شده در چاپ کنونی عبارتند از: ۱. مقابلهٔ چاپ نخستین با دست‌نویس کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران و ذکر اختلافات آن با متن کنونی، ۲. ترجمهٔ مقدمه، تجدید نظر و نمایه‌سازی آن و ۳. تجدید نظر ترجمهٔ انگلیسی که در ضمن آن تعدادی از پانوشت‌ها به متن فارسی منتقل و برخی را که برای فارسی‌زبانان لازم به نظر نمی‌رسید حذف گردیده است. روش گزارش اختلاف بین چاپ نخستین و چاپ کنونی به این ترتیب است که افزودگی و افتادگی کلمات و یا عبارات با ذکر شماره مشخص شده‌اند. زمانی که افزودگی و افتادگی در ارتباط با یک جمله و یا عبارتی طولانی باشد مطلب داخل زاویه < > قرار داده شده است. معدود اشتباهات املائی و اختلافاتی که به دلیل استفاده از کلمات مترادف و یا حروف اضافه روی داده باشند در اختلاف نسخ گزارش نشده‌اند. ارجاع شماره‌های داخل پرانتز در متن سیر و سلوک به اختلاف کلمات است که در انتهای متن قرار داده شده و ارجاع شماره‌ها در نمایهٔ فارسی و انگلیسی به شمارهٔ پاراگراف‌های متن سیر و سلوک می‌باشد.

نقد و بررسی دکتر لئونارد لویسن

پیوست ادبی تایمز لندن، شمارهٔ ۱۰، سپتامبر ۱۹۹۹؛ نصیرالدین طوسی: سیر و سلوک: زندگی‌نامهٔ روحانی دانشمندی مسلمان. ترجمهٔ س.ج. بدخشانی، ۱۴۰ صفحه، نشر طاوریس، لندن، ۱۹۹۹.

با حجم کوچک، این ترجمهٔ ارزشمند از زندگی‌نامه متکلمی مسلمان و بینش‌گرا

نصیرالدین طوسی (م. ۱۲۷۴)، یکی از برجسته‌ترین متفکرین مسلمان قرن سیزدهم میلادی که پدر و بنیان‌گذار تشیع معاصر قلمداد گردیده، گامی مهم در تحقیق و بررسی آراء مسلمانان در قرون وسطی می‌باشد. ویرایش انتقادی سیر و سلوک به همراه ترجمهٔ انگلیسی و مقدمهٔ مصحح و مترجم آن س. ج. بدخشانی ارائه گردیده است. اهمیت این اثر نمایش تصویر باطنی و خودپرداختهٔ فیلسوفی است که افکار ظاهرگرای او در الهیات و حکمت مشاء به نحو چشمگیری کانون تفحصات محققین قرار گرفته و در اینجا گرایش‌های خواجه به روحانیت اسماعیلی که پیش از این در پردهٔ تقیه مستور بود مکشوف می‌گردد.

مقدمهٔ بدخشانی آکنده از تفصیلات دربارهٔ زندگی خواجه است. توجه به بحث عمیق و بی‌طرفانه در زمینهٔ همکاری نزدیک خواجه با مغول از یک سو و مقایسه او بین خواجه و غزالی از دیگر سو نباید از نظر دور بماند. وجوه تشابه بین تصویر خودپرداخته و عقل‌گرایانهٔ نصیرالدین طوسی و تصویر خودپرداختهٔ ابوحامد غزالی، متکلّم بزرگ سنی‌مذهب که یک قرن قبل از او در ایران به شهرت رسید (المنقذ من الضلال) کاملاً چشمگیر است. در عین حال اختلاف‌های مهمی بین این متأله اهل سنت و حکیم شیعی‌مذهب وجود دارد. به گفتهٔ بدخشانی در مقدمه، نکتهٔ مهم برای غزالی در المنقذ «ارزش نسبی کلام، فلسفه، تعلیم و تصوف» در شناخت باری تعالی است، حال آنکه برای طوسی در سیر و سلوک تنها انتخاب بین «فلسفهٔ نظری و تعلیم معلّم صادق» مطرح می‌باشد.

از منظر تاریخ کلام اسلامی، احتمالاً مهم‌ترین جنبهٔ سیر و سلوک آن است که بالأخره و به‌طور قطعی تفوق روحانیت اسماعیلی را در زندگی و افکار طوسی به اثبات می‌رساند. گرچه پانوشت‌هایی که بدخشانی به متن اضافه کرده مآلاً مبین ارتباط و پیروی طوسی از آراء اسماعیلی و تبعیت بی چون و چرای او از امامان الموت است ولی نگاه عالمانه و بی‌طرفانهٔ مترجم آن‌چنان توازنی را به‌وجود می‌آورد که امکان هرگونه تعصب و غرض‌ورزی را نفی و در جای خود دفاع از بُعد اسماعیلی مطلب را با بلاغت،

بصیرت عالمانه و عقلانیت انجام می‌دهد. در عین حال نکتهٔ جالب توجه این است که بدخشانی به‌ندرت به اختلاف نظرها دربارهٔ موضوع جاری و بغرنجی که دیگران آن را «ارتباط طوسی با اسماعیلیان» نامیده‌اند پرداخته است.

اعتقاد به ظهور پیوسته و دائمی علم در امامی زنده که علامت مشخصهٔ عرفان اسماعیلی است یک اصل نهادینه و اعتقادی است که طوسی در سرتاسر سیر و سلوک به دفاع از آن می‌پردازد. اعتقاد به امکان دست‌یابی به شناخت باری‌تعالی با تمسک به عقل تنها و رأی و نظر، مردود است و «حکیم درِ معرفت خدای تعالی را بکلی بر خود بسته است» و طوسی چنین می‌اندیشد که «خداشناسی امام‌شناسی است» و معتقد است که نور امام در شخص او از طریق نصّ و ارث متجلی می‌گردد و این نکته‌ای است که به‌طور کلی اعتقاد به اقطاب و ابدال در سنت‌های متداول روحانیت اسلامی مانند تصوف را نفی و با آن در تعارض می‌باشد. طوسی مدافع این نظریه است که تسلیم به امام معصوم خط بطلانی است بر کلیه تلاش‌های عقلانی دربارهٔ دین و اگر کسی رأی امام را در موردی زیر سؤال ببرد تنها می‌تواند «مقتضای نقصان ذات، بیماری نفس و ناتمامی اعتقاد» آن شخص بوده و نمی‌تواند به این معنی باشد که امام عرضه‌گاه خطاهای انسانی است. نجات تنها از طریق ایمان حاصل می‌گردد و از دیدگاه هر انسان این امر می‌تواند کورکورانه و یا از روی درایت باشد.

از اشتباهات قابل اغماض که بگذریم ترجمهٔ دکتر بدخشانی از این متن مشکل و انباشته از لغات دور از ذهن و اصطلاحات نادر متون اسماعیلی به‌طور کلی فوق‌العاده روان و گاه حتی روشن‌تر از متن اصلی می‌باشد. بعد از مقایسهٔ جمله به جملهٔ متن ویرایش شده با ترجمه این نتیجه حاصل شد که ترجمه نه تنها صحیح بلکه روان و خوش‌خوان است. اگر مشکلی در گزارش متن فارسی به ترجمه ملاحظه شود کمبود پانوشت‌های عالمانه بر ترجمهٔ انگلیسی خواهد بود. مثلاً به‌هنگام گزارش چگونگی به‌وجود آمدن تفرقه بین فرق اسلامی، طوسی متذکر این نکته می‌شود که «همهٔ مقالات از یک اصل منشعب شده است و همه باطل و مذاهب از یک شخص» این عبارت

می‌تواند به دو شکل معرفت‌شناسی نیست‌انگاری و یا به اوجی از کثرت‌گرایی مذهبی تعبیر گردد. در حالی که ممکن است طوسی مدافع نظریهٔ دوم باشد ولی در اینجا با افزودن پانوشت، مترجم می‌توانست به وضوح متن کمک کند.

اگر به تعصبات مذهبی آن دور و زمان با امعان نظر بنگریم، از وجوه بسیار موقف طوسی همانند غزالی زبان حال احتیاج به نوعی از الهیات اسلامی متکی بر شمول و کثرت‌گرایی دینی در زمان ما می‌باشد. در عبارتی که بلافاصله بعد از جملهٔ اقتباس شده فوق می‌آید، متأله الموت و وزیر ایلخان مغول می‌نویسد: «الا آنکه در هر روزگاری قومی از نکته‌ای غافل مانده‌اند و به حجابی محجوب شده، دین حق و راه راست که از تغییر و استحالت و تکثُر و مناقضت منزه است همیشه یک دین و یک راه بوده است لا تبدیل لکلمات اللّه».

اینگونه عبارات ذهنیت «خرد جاودان» را در نوشته‌های هاکسلی که زمینه‌ساز تمام فلسفه‌ها دانسته شده، و یا اصطلاح «منومیت» در نوشته‌های جوزف کمپل را که حافظ تمام اسطوره‌ها است و حتی بازتابی از عبارت «مسیحی گمنام» کارل رهنر را متبادر ذهن می‌نماید. ولی چنین برداشتی محتملاً مستلزم این است که تأویلات گستردهٔ مسلمانان اسماعیلی را از شریعت به‌نحو چشمگیری مجازی تلقی نماییم.

اشاره‌ای به سایر نقد و بررسی‌ها

العالم: شماره ۶۵۵، شوّال ۱۴۱۹ / ژانویه ۱۹۹۹ م.؛ النور: شمارهٔ ۹۶، محرم ـ صفر ۱۴۲۰ / می ۱۹۹۹ م.؛ اولیور لیمان ـ (*Journal of Semitic Studies*) شمارهٔ ۴۴، پاییز ۱۹۹۹ م.؛ زابینه اشمیتکه، (*Die Welt des Islams*) شمارهٔ ۳۹، ۱۹۹۹؛ جواد مجددی، (*Bulletin of the School of Oriental and African Studies*) جلد ۶۲ جزء ۳، ۱۹۹۹ م.؛ نصراللّه پور جوادی، نشر دانش، سال ۱۶، شمارهٔ ۳، پاییز ۱۳۷۸ شمسی /۱۹۹۹ م.؛ اسکارسیا امروتی و بیانکا ماریا ـ (*Rivista degli Studi Orientali*) شمارهٔ ۳۳، ۲۰۰۰ م.؛ اسماعیل پوناوالا، (*Journal of the Society of Iranian Studies*) شمارهٔ ۳۳، سال ۲۰۰۰ م.؛

مهدی امین رضوی، (*Journal of Islamic Studies*) جلد ۱۱، نوامبر ۲۰۰۰ م.؛ کلود جلیوت، (*Studia Islamica*) شمارهٔ ۹۰، سال ۲۰۰۰ م.؛ رمکه کروک، (*Bibliotheca Orientalis* شمارهٔ ۶ـ۵، سپتامبر ۲۰۰۲ م.؛ لو، یاکو ـ (*Jerusalem Studies in Arabic and Islam* شمارهٔ ۲۷، سال ۲۰۰۲ م.؛ هرمان لندُلت (*Bulletin Critique des Annales Islamologique* شمارهٔ ۱۶ سال ۲۰۰۰ م.؛ جوزف ون اس ـ (*Die Welt des Orients* شمارهٔ ۳۱ سال ۲۰۰۱ / ۲۰۰۰ م.؛ جورج صلیبا ـ (*Iranian Studies*) جلد ۳۸، شمارهٔ ۱ سال ۲۰۰۵ م.؛ مهدی محبتی ـ ادبیات و فلسفه، سال هفتم، شمارهٔ ۸۳، شهریور ۱۳۹۳؛ نیز بنگرید به: فرهاد دفتری (*Ismaili Literature* , London,pp,157-9) و: سایت الکترونیک مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلی.

ختم سخن در این مقدمهٔ کوتاه تشکر و سپاس فراوان از راهنمایی و تشویق بی‌شائبهٔ دکتر فرهاد دفتری، ریاست مؤسسهٔ مطالعات اسماعیلی، دقت و پیگیری دکتر اکبر ایرانی و همکاران ارجمند ایشان در مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب می‌باشد و علاوه بر آن، امیدوارم بتوانم تشکرات صمیمانهٔ خود را از اساتید گرانمایه‌ای که زحمت مطالعه و نوشتن نقد و بررسی را بر خود هموار و نیز به دوستانی که مستقیماً در اتمام این کار مرا یاری نموده‌اند، به‌ویژه دکتر داریوش محمدپور که زحمت ترجمهٔ مقدمهٔ چاپ نخستین را بر عهده گرفتند و آقای راسل هاریس که متن انگلیسی را بازبینی نمودند، ابراز نمایم.

مقدمه

نصیرالدین طوسی و اسماعیلیان

سید جلال حسینی بدخشانی
برگردان فارسی: داریوش محمّدپور

نصیرالدین ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن الطوسی، اخترشناس، فیلسوف و متکلم شهیر ایرانی که اغلب در ادبیات عمومی به عنوان محقق طوسی و در محافل اسماعیلی عصر خود به عنوان سلطان الدعات[1] از او یاد شده است در یازدهم جمادی الاول ۵۹۷ در طوس دیده به جهان گشود و در هجدهم ذی الحجه ۶۷۲ هجری قمری در بغداد چشم از جهان فرو بست.

دربارهٔ دوران طفولیت و جوانی او جز مطالبی که در متن حاضر یعنی سیر و سلوک، که زندگی‌نامهٔ خودنوشتهٔ او است، چیز دیگری نمی‌دانیم. در این روایت، طوسی می‌گوید که در خانواده‌ای متولد شده که «ظاهر شریعت را معتقد و متقلد بودند» و حرفت ایشان چیزی «جز اشتهار به علوم ظاهر نبود» یعنی آنها احتمالاً ارتباطی با روحانیت تشیع دوازده امامی داشته‌اند. این امکان هم مطرح شده که طوسی در میان خانواده‌ای اسماعیلی متولد شده و تعالیم و تحصیلات مقدماتی خود را در محیطی دوازده امامی کسب کرده باشد.[2] اما هیچ‌گونه شاهد و قرینهٔ متقاعد کننده‌ای برای این

---

۱. نک: طوسی، نصیرالدین. روضة تسلیم یا تصورات. با مقدمه هرمان لندلت. (تهران، ۱۳۹۳ ش)، ص ۱۴۶؛ ترجمهٔ انگلیسی (لندن، ۲۰۰۵ م)، ص ۱۷۰.

۲. ایوانف، روضة التسلیم یا تصورات، مقدمه، (لیدن، ۱۹۵۰ م) ص ۲۵.

روایت در اختیار نداریم، حال آنکه از متن سیر و سلوک به‌روشنی برمی‌آید که والدین او گرایشی به مذهب اسماعیلی نداشته و پیوند و همکاری او با اسماعیلیان تحوّلی بوده که بعداً در زندگانی او روی داده است.

طوسی از همان اوان جوانی با اشتیاق فراوان به آراء و عقاید اعضای خانواده دربارهٔ اصول و قواعد شریعت گوش فرا داده و گمان می‌برد که دین فقط مراعات دقیق رسوم و آداب شریعت است، اما پدر او به رویکردی صرفاً جزمی از دین قانع و راضی نبود. او فردی آزاداندیش بود که دانش را از دایی خود که از شاگردان تاج‌الدین شهرستانه (م. ۵۴۸ق)[1] بود فراگرفته و آرزو داشت که فرزندش آموزش درستی ببیند و مشوّق او بود که تمامی شُعب دانش را مطالعه و آراء مکاتب و مذاهب مختلف را بررسی نماید.

یکی از نخستین معلمان طوسی که از سوی پدرش انتخاب شده بود کمال‌الدین محمد حاسب نام داشت که به گفتهٔ طوسی از شاگردان فیلسوف و شاعر مشهور افضل‌الدین کاشی (م. ۶۱۰ق)[2] بوده و طوسی زیر نظر او به فراگیری ریاضیات مشغول گردیده بود. اما به نظر می‌رسد که کمال‌الدین تنها به آموزش ریاضیات بسنده نکرده و در فرصت‌های مناسب به اظهار نظر دربارهٔ موضوعات مرتبط با دین روی می‌آورده که باعث برانگیخته شدن کنجکاوی طوسی بود و طوسی نیز معلم خود را با پرسش‌های متعدد سؤال‌پیچ می‌کرد که کمال‌الدین یا نمی‌توانست به آنها پاسخ دهد و یا اینکه مایل نبود مطلب را به‌خوبی روشن کند. مثلاً کمال‌الدین گاه «سخن اهل ظاهر را کسری کردی و مناقضتی که متقلدان اوضاع شریعت را لازم آید بیان فرمودی» اما وقتی طوسی می‌خواست به کُنه مطلب برسد می‌گفت «آنچه لب و خلاصهٔ حقیقت است هنوز با تو گفتنی نیست که تو کودکی و روزگار نادیده، اگر عمر و توفیق یافتی طلب کن تا به آن برسی». احتمالاً نفوذ و تأثیر توأمان پدر و کمال‌الدین بود که باعث شد از همان دوران کودکی اشتیاقی دیرپا به معرفت و دانش‌اندوزی در طوسی به‌وجود آید. شدت این

---

۱. تاج‌الدین شهرستانه، نک: پانوشت ۱، ص ۴.

۲. افضل‌الدین کاشی، نک: پانوشت ۱، ص ۵.

علاقه اندکی پس از درگذشت پدرش آشکار شد و مرد جوان «در طلب حق و اندیشهٔ تحصیل علمی که مردم را به سعادت آن جهان رساند از خانهٔ خود هجرت کرد».

در متن سیر و سلوک، طوسی شِمّه‌ای از چگونگی تحصیلات کلامی و فلسفی خود را ارائه می‌کند ولی به جزئیات آن و اینکه با چه اساتیدی آشنا شده و یا دربارهٔ مطالعاتش در زمینهٔ ریاضیات و نجوم، که بعداً از زمینه‌های مهم تحقیقات وی گردیدند، توضیحی نمی‌دهد. ولی از طریق منابع دیگر می‌دانیم که او دانش‌پژوهی استثنایی بوده و سفرهای دور و درازی در جستجوی دانش داشته است. طوسی تا سن هفده و هجده سالگی، عمده‌ترین اثر فلسفی ابن سینا، الاشارات و التنبیهات، را با فریدالدین داماد خوانده و در مجالس درس قطب‌الدین سرخسی در نیشابور شرکت کرده بود. پاره‌ای از دانشمندان معتقدند که طوسی در نیشابور با شاعر و عارف مشهور، فریدالدین عطار (م. ۶۱۷ ق)، ملاقات کرده است، و در منابع چنین آمده است که نزد معین‌الدین سالم بن بدران مازنی نیز فقه خوانده است.

طوسی اقرار دارد که اگر چه از تحصیلات کلامی بهرهٔ زیادی برده ولی از علم کلام برای هدفی که داشته، یعنی معرفت حق جلّ و علا، و شناخت مبدأ و معاد دل‌زده و مأیوس می‌گردد. او اذعان می‌کند که از تعلیمات متکلمین بر اختلاف مذاهب اندک وقوفی یافته، اما نمی‌توانسته رویکرد آنها را که «سراسر بر تصرف اوضاع ظاهر شریعت مقرر» بود و «اهلش [که] عقل را بر تمشیت مذهبی که از سلف خود تقلید کرده‌اند اجبار می‌کنند» شافی به مقصود بداند.

اما فلسفه، یا به قول خودش حکمت، را به خاطر اولویتی که به عقل می‌داد بیشتر با مذاق خود سازگار می‌یافت، اما نمی‌توانست ادعای فلاسفه را مبنی بر اینکه با استفاده از عقل تنها می‌توان خدا را شناخت بپذیرد، زیرا «آنها عقل را در معرفت آنچه نه در حد اوست، استعمال می‌کنند» و آنگاه که طوسی در این زمینه بیشتر می‌اندیشید، به تدریج پی می‌برد که چون نوع بشر در آراء خویش متفرق و مختلفند، وصول به حقیقت تنها از طریق عقل و نظر میسر نیست بلکه به دخالت مکمّل، یعنی معلّم و آموزگاری که خود به

گوهر چنین معرفتی وقوف داشته باشد حاجت است، و چون مبلغان و معتقدان اصلی این اعتقاد اسماعیلیان بودند همّ خود را بر شناخت بهتر مذهب اسماعیلیه معطوف کرد، گرچه جرئت این را نداشت که از دیگران در این‌باره سؤال کند، زیرا بیم آن می‌رفت که خصومت و تعصب آنها را برانگیزد.

در همین اوان طوسی اخبار دانش‌دوستی و حکمت‌پژوهی حاکم اسماعیلی گردکوه، یعنی محتشم شهاب‌الدین (م. ۶۴۴ق)[1] را شنیده، به وی نامه‌ای نوشته و در آن نظر او را در خصوص برخی از مسایل فلسفی جویا می‌شود. شهاب‌الدین نپذیرفت که با وی باب مکاتبه را بگشاید اما ظاهراً در جواب نامه که به خط حسن محمود کاتب[2] است، آمادگی برای ملاقات با او را ممکن دانسته و این امر طوسی را بر آن داشت که در سفری از عراق به خراسان، چند روزی در گردکوه[3] محضر محتشم را دریابد.

نقطهٔ عطف دانش‌پژوهی و جستجوی علمی طوسی، چند روز بعد بود که در خراسان تصادفاً نسخه‌ای از فصول مقدس امام اسماعیلی نزاری، حسن علی ذکره‌السلام (م. ۵۶۱ق)[4] را به دست آورده و «از آن کلمات مقدس که نور دل‌ها و چراغ ضمیرهاست، فایده‌های بی‌نهایت» می‌گیرد. در نتیجهٔ این برخوردها و چنین شرایطی بود که طوسی مصمم به پذیرش دعوت اسماعیلی گردید، اما پس از تلاش‌های پیگیر و دخالت‌های ناصرالدین محتشم (م. ۶۵۵ق)، جانشین شهاب‌الدین حاکم قهستان، و این آغاز یک دوستی همه‌جانبه بین او و حکمران دانشمند قهستان بود که بیش از سی سال در زندگی وی ادامه داشت.

استادان و دانشمندان تأملات بسیاری در خصوص ماهیت ارتباط طوسی با اسماعیلیان داشته‌اند که آیا این ارتباط از روی اعتقاد و التزام دینی و یا صرفاً به‌خاطر ملاحظات حرفه‌ای بوده است. اطلاعاتی که طوسی در سیر و سلوک ارائه می‌کند جای

---

۱. محتشم شهاب‌الدین، نک: پانوشت ۱، ص ۸.

۲. حسن محمود کاتب، نک: پانوشت ۱، ص ۹.

۳. گردکوه، نک: پانوشت ۲، ص ۹.

۴. علی ذکره‌السلام، نک: پانوشت ۱، ص ۱۰.

کوچکترین تردیدی دربارهٔ گرایش راستین او به مذهب اسماعیلی باقی نمی‌گذارد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که برخی از معلّمین طوسی به جز پدر و دایی پدرش افضل‌الدین کاشانی، کمال‌الدین محمد حاسب و به گونه‌ای تاج‌الدین شهرستانه هر کدام به نحوی با دعوت اسماعیلی مرتبط و یا گرایشی به فهم باطنی و تأویلی اسلام که از سوی اسماعیلیان حمایت می‌شد، داشتند.[1]

در قهستان، به‌نظر می‌رسد طوسی ارتباط شخصی و حرفه‌ای نزدیکی با حامی اسماعیلی‌اش، ناصرالدین محتشم که مردی دانشمند و علاقه‌مند به فلسفهٔ اخلاق بود برقرار و اظهار علاقه کرده بود که برای اتمام کتابی که طرح کلی آن را ناصرالدین تهیه کرده ولی به خاطر سنگینی وظایف اداری در مقام حکومت قهستان اتمام آن برایش ممکن نبود به اتمام برساند. ناصرالدین که به تبحر طوسی و قابلیت وی آشکارا وثوق و اعتماد فراوان داشت این پیشنهاد را پذیرفت. قرار نبود این کتاب از آثار مستقل طوسی باشد، بلکه مبتنی بر یادداشت‌ها و رهنمودهای محتشم بود. در نتیجه هنگام اتمام کار، کتاب اخلاق محتشمی نامیده شد.

در طی ده سال و اندی که طوسی در قهستان به‌سر برد، چندین کتاب دیگر نیز مانند گشایش نامه در اخلاق و رسالهٔ معینیه در نجوم را تالیف کرد. در سال ۶۳۳ق، نخستین اثر مشهور خود در زمینهٔ اخلاق، یعنی اخلاق ناصری را منتشر نمود. تاریخ تألیف بسیاری از رسالات دیگر، از جمله تولا و تبرا و آغاز و انجام و شروع تصنیف مشهورترین اثر فلسفی او یعنی شرح اشارات ابوعلی سینا به این دوره از حیات او بازمی‌گردد.

اندکی پس از اتمام اخلاق ناصری بود که طوسی در معیّت ناصرالدین محتشم به قلاع اسماعیلی ناحیهٔ رودبار دیلمان یعنی الموت و یا میمون‌دژ مسافرت نمود. دربارهٔ این تغییر محل سکونت چندین داستان ساختگی و مجعول وجود دارد، من جمله اینکه

---

۱. برای تفصیل بیشتر درباره شخصیت‌های نام برده و آموزش‌های اولیه طوسی، نک: مدرس رضوی، احوال و آثار ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (تهران، ۱۳۴۵ش)، صص ۷ـ۵ و ۷ـ۱۵۴. و جمیل رجب، ترجمهٔ انگلیسی التذکرة فی علم الهیئة (نیویورک، ۱۹۹۳م)، ج ۱، صص ۲۰ـ۱۶.

پس از برملا شدن ارتباط و مکاتبه با مقامات عباسی در بغداد، طوسی وادار به نقل مکان به الموت و زندانی شدن در آنجا شد. اما محتمل‌ترین توضیح در این‌باره این است که سفر الموت یکی از سفرهای معمول و متعارفی بود که ناصرالدین برای ارائهٔ گزارش در امور اداری شخصاً به مرکز دعوت اسماعیلیه انجام می‌داد، و طبیعی بود که حاکم چند نفر از معتمدترین نزدیکان خود را به همراه ببرد. در هر حال، طوسی این سفر را فرصت و افتخاری بزرگ تلقی می‌کرده است، مخصوصاً ازین رو که الموت منزلگاه امامان اسماعیلی و محل نگهداری مهمترین کتابخانهٔ دولت اسماعیلی و پناهگاه بسیاری از دانشمندان سنی و شیعه بود که بعضی از آنها برای نجات از حملات مغول به آسیای میانه و خراسان در آنجا مأمن گزیده بودند.

طوسی هر نقشه و آرزویی که داشته، اقامت طولانی او به مدت بیست سال در الموت و میمون‌دژ پربارترین دورهٔ زندگی و باروری خلاقیت اوست که تحت حمایت و تشویق امام علاءالدین محمد (م. ۶۵۳ق) و نخبگان جامعهٔ اسماعیلی آن زمان تحقق یافته است. اضافه بر این، چنین برمی‌آید که طوسی برخوردار از آزادی اندیشه و مراوده بوده که او را قادر می‌ساخته است دربارهٔ موضوعات متفاوتی شامل نجوم، ریاضیات، فلسفه و شعب مختلف علوم کاربردی مطلب نوشته و با دانشمندان معاصر خود مکاتبات علمی داشته باشد.[1] طوسی مهم‌ترین اثرش در زمینهٔ تفکرات اسماعیلی، یعنی روضهٔ تسلیم، را در سال ۶۴۰ و اساس الاقتباس را در سال ۶۴۲ به اتمام رسانده و دفاعیهٔ مشهور وی از ابن سینا علیه انتقادات فخرالدین رازی، یعنی شرح الاشارات و التنبیهات، در سال ۶۴۴ق. آخرین ملاحظات خود را از سر گذراند. اینها به غیر از آثار فراوان او دربارهٔ نجوم، بازنویس کتب درسی و ترجمه‌هایی هستند که در سال‌های آخر اقامتش در الموت تالیف نمود. احتمالاً به خاطر همین تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، در کنار عوامل دیگر است که طوسی مفتخر به لقب سلطان الدعات گردیده است.

---

۱. متن تعدادی از این سؤال و جواب‌ها بر جای مانده است، برای آگاهی بیشتر نک: مدرس زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، (تهران، ۱۳۳۵ش)، صص ۲۲۱ـ۱۹۸.

سال‌های اولیه اقامت او در الموت تا آنجا که زندگی شخصی و علمی او مورد نظر است باید نسبتاً توأم با امنیت و آسایش بوده باشد، اما نوشته‌های بعدی وی نشانه‌های روزافزونی از دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را نشان می‌دهند که به‌خاطر تهدیدات قریب‌الوقوع مغول به‌وجود آمد. مغولان پس از غلبه بر آسیای مرکزی و شمال خراسان، اکنون در تدارک حمله به ایران، با تصمیم جدی براندازی و نابودی قلاع اسماعیلی را در اولویت کار خود قرار داده بودند. تا آن زمان یعنی تا سال ۶۵۱، چندین قلعهٔ اسماعیلی در قهستان به تصرف مغول در آمده و در سال ۶۵۴ سردار جنگی مغولان یعنی هولاگو به رودبار آمد و الموت و میمون‌دژ را در محاصره گرفت. پس از زد و خوردها و مذاکرات ممتد و طولانی، اسماعیلیان بالأخره تسلیم شدند و مغولان انهدام کلی قلاع اسماعیلی و سپس قتل عام وسیع تودهٔ جمعیت اسماعیلی را در سراسر کشور آغاز نمودند. الموت، مرکز دولت اسماعیلی که ۱۶۶ سال پیش توسط حسن صباح خریداری و بازسازی شده بود، به شیوه‌ای نظام‌یافته طعمهٔ حریق شد و ویران گردید، اگرچه عطا ملک جوینی مورخ (م. ۶۸۱) که فاتحان را همراهی می‌کرد، اجازه یافت که مقداری کتاب و ابزار نجومی را از سوختن نجات بدهد.[1]

نقش طوسی در این وقایع سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده از مشوش‌ترین و جنجالی‌ترین جنبه‌های زندگی اوست. طوسی در مقام یک عضو عالی‌رتبهٔ هیئت اسماعیلی مذاکره‌کننده با مغولان، بر خلاف سران نظامی، از تسلیم صلح‌آمیز جانبداری کرده بود. حال آنکه نظامیان هدفشان مقاومت و دفاع مستمر به همان شیوه‌ای بود که سالیان دراز در برابر سلجوقیان و خوارزمیان از پناهگاه‌های خود اعمال کرده بودند. با این وصف اندکی پس از سقوط الموت، به دلائل سیاسی و شاید نجات جان خود،

---

۱. جوینی در جهانگشا (لندن ۳۷ـ۱۹۱۲م)، ج ۳، ص ۲۷۰، چنین گزارش می‌کند: وقتی که در پای لَمَسر بودم، بر هوس مطالعهٔ کتابخانه که صیت آن در اقطار شایع بود [به پادشاه] عرضه داشتم که نفایس کتاب الموت را تضییع نتوان کرد ... تا به مطالعه آن رفتم و آنچه یافتم از مصاحف و نفایس کتب بر مثال یُخرِجُ الحیَّ مِن المیِّتِ بیرون آوردم و آلات رصد ... که موجود بود برگرفتم و باقی آنچه تعلق به ضلالت و غوایت ایشان داشت که نه به معقول مستند بود نه به منقولِ معتمد بسوختم.